

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۷۹

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۷ / مه و ژوئن ۲۰۱۸

حقوق ما

نگاه حرفه‌ای و کلا به

# وکلای-مورد-تأیید-رییس-قوه-قضائیه



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری با همکاری میلاد پورعیسی

مشاور حقوقی: نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

فهرست وکلای مورد تأیید قوه قضاییه؛

عقبگرد از آنچه عقب بود

با ظهور پدیده «وکیل حکومتی» روبهرو شده ایم

محمد سیفزاده: تبصره ماده ۴۸ قانون آئین

دادرسی کیفری، نامشروع است

محمدعلی جداری فروغی: در کانون بین المللی وکلا

به تبصره ماده ۴۸ اعتراض خواهیم کرد

حسین احمدی نیاز: کانون وکلا نباید از تصمیم

قوه قضائیه تبعیت کند

احمد بشیری: نمایندگان مجلس از وکلا عذرخواهی کنند

## فهرست وکلای مورد تأیید قوه قضائیه؛ عقب‌گرد

### از آن‌چه عقب بود



کامبیز غفوری

به رغم آن‌که در تمامی چهار دهه اخیر، اعمال فشار محدودیت بر وکلای مدافعی که پرونده‌های سیاسی را بر عهده می‌گرفتند وجود داشت، لیکن اقدام اخیر قوه قضائیه در ارائه یک فهرست از افراد واجد صلاحیت برای وکالت در این پرونده‌ها، یک عقب‌گرد جدی در سیستم حقوقی ایران و یادآور ارباب و محدود کردن وکلا در دهه نخست پس از انقلاب است.

حدود ۹۰ سال پیش، هنگامی سیستم مدرن قضایی به کوشش علی‌اکبر داور در ایران پایه‌ریزی شد، بخشی از روحانیون در زمره معترضین اصلی به این سیستم قضایی و قوانین مدنی آن بودند. آن‌ها صلاحیت قضاوت را تنها در ید حاکم شرع می‌دیدند که با قوانین دینی و با تکیه به «علم» خود، حکم صادر کند. بالطبع وکالت در این دیدگاه جایی نداشت.

حدود ۴۰ سال قبل، در سال‌های نخست انقلابی که متعاقب آن روحانیون پایه‌های حکومت مذهبی را تحکیم می‌کردند، بخش مهمی از دستاورد دوران توسعه مدنی و سیستم قضایی ایران با یک پسرفت تند روبه‌رو شد. در نخستین حکم آیت‌الله خمینی که برای صادق خلخالی نوشت، به صدور «حکم شرعی» اشاره کرد. خلخالی نیز با عنوان «حاکم شرع» احکام را گاه پشت کاغذ سیگار می‌نوشت و حتی در مواردی پس از دستور و اجرای اعدام، حکم را می‌نوشت.

نخستین حاکم شرع جمهوری اسلامی تعریف می‌کند که چگونه در این مقام، حتی بدون محاکمه، نوجوانی را که نشریه گروه‌های مخالف را می‌خوانده، در خیابان به قتل

### اقدام اخیر قوه قضائیه در

### ارائه یک فهرست از افراد

### واجد صلاحیت برای وکالت

### در این پرونده‌ها یادآور

### فضای ارباب و محدود کردن

### وکلا در دهه نخست پس از

### انقلاب است.

رسانده است: «عصر از پیش امام بازگشته بودم... داشتیم می‌آمدیم داخل کوچه منزل که از شیشه ماشین دیدم دو تا بچه پانزده، شانزده ساله گویا مخفیانه چیزی با هم رد و بدل کردند. دستور دادم بگیرند و بگردندشان ببینم ماجرا چیه. خودم از کیف پسر این روزنامه مجاهدین را در آوردم. یادم هست فامیلش شریعتی بود... همانجا پسر را با گلوله زدیم و به همراهانم گفتم اینجوری باید با این جانوران برخورد کرد!»

بدیهی است در چنین سیستمی، وکیل مدافع جایی ندارد. این تفکر در آن سال‌ها باعث شد که اسدالله لاجوردی، رئیس

در تبصره ماده ۴۸ در لایحه اصلاحیه در مجلس آمده است: «در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌کنند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود.»

محمودی این قانون را «آخرین میخ بر تابوت استقلال کانون وکلا در جمهوری اسلامی ایران»، «در مغایرت با استقلال وکلا» و «توهین به وکلا» دانسته و گفته است که «این تبصره در تعارض با قانون اساسی و اصل حقوق دفاع از متهم و دادرسی منصفانه و عادلانه است؛ چون در قانون اساسی از حق اختیار وکیل سخن گفته شده است و متهم باید در انتخاب وکیل خویش به منظور دفاع از پرونده اتهامی او، آزاد باشد. این تبصره اصل بی‌طرفی قوه قضائیه را نیز زیر سؤال می‌برد.»

همچنین، نعمت احمدی، حقوق‌دان ساکن ایران در مصاحبه‌ای با رادیو فردا گفته است که «این ماده ۴۸ برخلاف اصل ۳۵ قانون اساسی است.» در اصل ۳۵ آمده است: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» احمدی اشاره می‌کند که این قانون طی این سال‌ها به دلخواه اعمال می‌شد. لیکن طی روزهای اخیر، قوه قضائیه فهرستی از وکلای مورد تأیید خود را ذیل تبصره ماده ۴۸ اعلام کرده است.

امیر رئیسیان، وکیل ساکن ایران، در توییتی اشاره کرد: «لیست #تهران بخشنامه شده، تنها ۲۰ وکیل (و نیمی از آنها از میان بیش از ۲۰۰۰۰ وکیل کانون وکلا) مورد تأیید رئیس قوه قرار گرفتند. نکته مهم اینکه هیچ وکیل خانمی نیست، هیچ وکیلی از مدیران کانون و یا وکلای مدافع حقوق بشر نیست.»

او همچنین تأکید کرد: «شفاها به من و برخی همکاران اعلام شده که مطلقاً حق پذیرش وکالت در پرونده‌های سیاسی و امنیتی را نداریم چون ناممان در این لیست ۲۰ نفره نیست. حتی در دادگاه! علیرغم اینکه این لیست در دادگاه معنا ندارد و تبصره ماده ۴۸ (#وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه) برای مرحله تحقیقات مقدماتی است.»

شماره ۷۹ مجله حقوق ما نظر وکلا و حقوق‌دانانی همچون نسرین ستوده، محمد سیف‌زاده، احمد بشیری، حسین احمدی‌نیاز و محمدعلی جداری فروغی را در این باره جویا شده است.

پیشین زندان اوین و دادستان انقلاب تهران در دهه ۶۰، در مصاحبه‌ای، وکلای زندانیان سیاسی را هم جرم متهم قلمداد کند و بگوید: «در جرائم ضدانقلابی خوشبختانه انگیزه‌ای برای وکلا وجود ندارد که از این آقایان دفاع کنند. بالاخره یک مقدار باید اعتقاد باشد به حرکت مسلحانه علیه نظام تا وکالت از متهمی را به عهده بگیرد و از او دفاع کند.» خلخالی نیز یک دهه پس از انقلاب در مجلس شورای اسلامی، به این اشاره کرد که حاکم شرع نیاز به طرف‌های منکر و مدعی نداشت. او گفت: «من حاکم شرع بودم، خودم دوختم و خودم هم پاره کردم، خودم مصادره کردم، خودم اعدام کردم. تشخیص من اصلاً دعوی نبوده منکر و مدعی بوده باشد، من قاضی امام بودم.»

لیکن با فشار افکار عمومی در داخل و خارج ایران، در حالی که هزاران تن فارغ‌التحصیل حقوق در سراسر کشور حضور داشتند و از سیستم قضایی قانونمند با حضور وکیل مدافع دفاع می‌کردند، رفته‌رفته فشارها برای بازگشایی کانون وکلا که در سال ۱۳۵۸ بسته شده بود، افزایش یافت و در سال ۱۳۷۶ قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت» به تصویب مجلس وقت رسید اما بر اساس ماده چهارم آن، اختیار تشخیص صلاحیت نامزدهای هیأت مدیره کانون به دست دادگاه عالی انتظامی قضات افتاد.

محدود کردن فعالیت‌های وکلا و دور نگه داشتن آنان از پرونده‌های سیاسی اما ادامه یافت.

به روایت نقی محمودی، مشاور حقوقی مجله «حقوق ما»، در اصلاحیه ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، براساس مصوبه مجلس، وکلای پرونده‌های امنیتی باید مورد تأیید قوه قضائیه باشند. در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است: «متهم با شروع تحت نظر قرار گرفتن، می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات با شخص تحت نظر ملاقات کند و می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.» در تبصره این ماده آورده شده است: «اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان‌گردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.» این ماده با اعتراض قوه قضائیه و ارسال لایحه اصلاحیه از سوی این دستگاه به مجلس مواجه شد و در نهایت مجلس تصویب کرد تا وکلای متهمان امنیتی مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشند؛ بدین صورت که قوه قضائیه این وکلا را انتخاب کند.

## با ظهور پدیده «وکیل حکومتی» روبه‌رو شده‌ایم

نسرین ستوده، حقوق‌دان و وکیل دادگستری، معتقد است دستور رئیس قوه قضائیه در معرفی چند وکیل به عنوان وکلای مورد اعتماد خود برای دفاع از متهمان سیاسی، تصمیمی کاملاً سیاسی و برای تنگ‌تر کردن حلقه محاصره این دست از متهمان در سیستم قضائی است.

او که به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری، سابقه زندانی شدن را در کارنامه خود دارد، می‌گوید تا امروز متهمان سیاسی در چنبره قضات تحت فشار نهادهای اطلاعاتی و شاکیبانی که آن‌ها هم عموماً از همین نهادها بوده‌اند، گیر می‌کردند. حالا هم با تعیین تعدادی «وکیل حکومتی» حلقه محاصره فعالان سیاسی که در دادگاه‌ها مورد اتهام قرار می‌گیرند، تنگ‌تر از قبل می‌شود.

تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری و دستوری که رئیس قوه قضائیه با اتکا به آن در زمینه معرفی چند وکیل مورد اعتماد این دستگاه برای وکالت پرونده‌های سیاسی صادر کرده، مصوبه مجلس و دارای پشتوانه قانونی است. در این شرایط چگونه انتظار می‌رود که دستگاه قضائی از این تصمیم خود صرف نظر کند؟

تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری در تعارض ذاتی با اصول دادرسی عادلانه، حق انتخاب وکیل و حق دفاع متهم است. به همین دلیل هم با وجود گذشتن سه سال از تصویب، رئیس قوه قضائیه آن را به اجرا نگذاشته بود.

هر گاه حق انتخاب وکیل از متهم سلب شود، دادرسی از شرایط عادلانه خود خارج می‌شود. این تبصره همچنین با اصل ۳۵ قانون اساسی نیز در تعارض کامل قرار دارد. به همین دلیل اعلام لیست وکلای مورد اعتماد از سوی آقای آملی لاریجانی، به ویژه در شرایطی که تعدادی از اعضای این لیست، قضاوت ناعادلانه پرونده معترضان به انتخابات سال ۸۸

توصیه اکید ما به متهمان

پرونده‌های سیاسی این

است که به هیچ وجه وکلایی

را که به عنوان وکلای مورد

اعتماد دستگاه قضائی معرفی

شده‌اند، برای دفاع از خود

نپذیرند.

را در کارنامه خود دارند، از نظر ما قابل قبول نیست و باید در این تصمیم تجدید نظر شود.

با سوابقی که برخی از وکلای اعلام شده از سوی رئیس قوه قضائیه به عنوان افراد قابل اعتماد برای دفاع از متهمان پرونده‌های سیاسی داشته‌اند، و احکام سنگینی که در مقام قضاوت علیه متهمان سال ۸۸ صادر کرده‌اند، به نظر می‌رسد این اقدام آقای آملی لاریجانی با رویکردی کاملاً سیاسی انجام شده است. این تعبیر را قبول دارید؟

کاملاً درست است. این یک رویکرد سیاسی است که قوه قضائیه در پیش گرفته است و با این روند، متهمان پرونده‌های سیاسی در چنبره‌ای قرار می‌گیرند که توسط افرادی به شدت طرفدار حکومت محاصره شده‌اند.

تعدادی از این افراد نقش شاکی را بازی می‌کنند؛ چرا که در این دست پرونده‌ها عموماً شاکی وزارت اطلاعات یا سپاه



پاسداران است. بخشی دیگر نقش قاضی یا بازپرس را به دست گرفته‌اند که مثلاً در دادرسی زندان اوین به صدور احکام بازداشت می‌پردازند. این دسته اخیر معمولاً هم اختیاری از خود ندارند و با فشار مأموران اطلاعاتی احکام را صادر می‌کنند. حالا هم با اجرای تبصره ماده ۴۸، با پدیده جدیدی رو به رو می‌شویم که ظهور «وکلای حکومتی» است.

این وکلا با آن سابقه‌ای که در مقام قضاوت از خود به جا گذاشته‌اند و تعصبی که نسبت به حفظ حکومت داشته‌اند، اساساً نمی‌توانند در مقام دفاع از متهمان سیاسی به انجام درست وظیفه مبادرت کنند.

من حتی پیش از اجرای تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری و در سال ۱۳۸۸، از برخی متهمان زندانی شنیدم که از طرف برخی وکلای تعیین شده از سوی قاضی برای پذیرش اتهامات تحت فشار قرار گرفته بودند.

به عنوان مثال، قاضی اتهام آتش‌افروزی و تخریب اموال عمومی را به آنها زده بود، در حالی که این متهمان به هیچ وجه در این حرکات نقشی نداشتند. وکلای مورد اشاره با وعده گرفتن تخفیف در احکام، زندانیان را وادار به این کار می‌کردند.

در شرایط فعلی برای جلوگیری از فشار بیشتر بر متهمان سیاسی چه راهکاری را می‌توان در پیش گرفت؟

توصیه اکید ما به متهمان پرونده‌های سیاسی این است که به هیچ وجه وکلایی را که به عنوان وکلای مورد اعتماد دستگاه قضائی معرفی شده‌اند، برای دفاع از خود نپذیرند.

با توجه به این که دستور رئیس قوه قضائیه بر مبنای مصوبه مجلس در چارچوب قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۲ انجام شده است، درخواست شما از نمایندگان مجلس برای بازنگری در این قانون چیست؟

من تا امروز ندیدم که نمایندگان مجلس موضع قاطعی در برابر این دستور رئیس قوه قضائیه اتخاذ کرده باشند. به یاد داشته باشید قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید و شخص آقای آملی لاریجانی دستور توقف اجرای آن را صادر کرد.

در همین بازه زمانی توقف اجرای این قانون، ناگهان برخی مواد از جمله تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری به تصویب کمیسیون قضائی مجلس رسید. این را هم در نظر داشته باشید برابر گفته‌های برخی از نمایندگان، این تبصره حتی برای تصویب در صحن علنی مجلس نیز مطرح نشد.

بنابراین تبصره ذیل ماده ۴۸، در شرایطی خاص و البته غیر قانونی از تصویب نمایندگان مجلس گذشت.

آن طور که من متوجه شدم منظور شما این است که این بند با فشار قوه قضائیه به تصویب نمایندگان رسیده است. در این شرایط انتظار شما از مجلس چیست؟

من نمی‌توانم بگویم که تصویب تبصره ماده ۴۸ با فشار قوه قضائیه رخ داده است. چون اطلاع دقیقی از این ماجرا ندارم. ولی توقع من از نمایندگان مجلس این است که به دلیل تضاد تبصره با اصل ۳۵ قانون اساسی، آن را لغو کنند.

## محمد سیف‌زاده: تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، نامشروع است

محمد سیف‌زاده، وکیل دادگستری و از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر، معتقد است که تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، از جهات مختلف از جمله زیر سوال بردن مقتضیات عقد وکالت نامشروع و باطل است.

سیف‌زاده می‌گوید اصول مختلف قانون اساسی تأکید دارد که رابطه موکل و وکیل، تنها رابطه‌ای دو طرفه است که هیچ شخص سومی از جمله حکومت حق دخالت در آن را ندارد. این وکیل دادگستری، مصوبه یاد شده را با نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات شبیه می‌داند؛ چرا که در نظارت استصوابی نیز حکومت با «صغیر» فرض کردن مردم، به دخالت در حق انتخاب آنها می‌پردازد.

مشروح مصاحبه مجله «حقوق ما» با محمد سیف‌زاده را در زیر می‌خوانید.

پیش از بررسی خود تبصره اصل ۴۸ بهتر است به این موضوع بپردازیم که اصولاً «جرم امنیتی» به چه معناست و چرا بین این جرم و «جرم سیاسی» در قانون تفکیکی وجود ندارد؟

بعد از تصویب قانون اساسی به کرات به این پرسش پاسخ داده‌ام که ما اصولاً جرمی به نام «جرم امنیتی» در حقوق نداریم.

در قانون اساسی، جرایم به چهار دسته عادی، مطبوعاتی، سیاسی و جرایم خاص نظامی تقسیم می‌شوند.

غیر از این چهار نوع، حتی قانون‌گذار هم اجازه ندارد نوع دیگری از جرم را به رسمیت بشناسد.

به رسمیت شناختن جرم امنیتی حاصل تلاش کسانی است که می‌خواهند محاکمه فعالان سیاسی و مطبوعاتی را بدون

حضور هیأت منصفه و البته رعایت موازین دادرسی عادلانه به انجام برسانند.

گفته شده با برخی از وکلا تماس گرفته شده و به آنها تأکید شده که از وکالت پرونده‌های موسوم به «امنیتی» خودداری کنند. شما آیا از جزییات این تماس‌ها اطلاعی دارید؟

بنده که بعد از حمله به کانون مدافعان حقوق بشر به صورت غیرقانونی از فعالیت حرفه‌ای خودم به مدت ۱۰ سال محروم شده‌ام.

اما دستور رئیس قوه قضائیه به گونه‌ای است که نیازی برای تماس و تحت فشار گذاشتن وکلا وجود ندارد. وقتی ایشان تنها ۲۰ نفر را از میان هزاران وکیل در استان تهران، مجاز به وکالت پرونده‌های سیاسی اعلام می‌کند، یعنی به طور طبیعی بسیاری از همکاران ما به دلایل نامعلوم و به طور خود به خودی از انجام فعالیت قانونی خود منع شدند و نیازی برای اعمال فشارهای دیگر نیست.

در مورد چند نفر از وکلایی که در لیست اعلام شده قوه قضائیه به عنوان وکلای مورد اعتماد هستند، گفته شده که قضات بازنشسته‌ای هستند که برای بسیاری از متهمان سیاسی، احکام ناعادلانه‌ای صادر کرده‌اند. جدا از فهرست جدید آقای آملی لاریجانی، اصولاً افرادی با چنین سوابقی چگونه توانسته‌اند پروانه وکالت از سوی کانون وکلا دریافت کنند؟

متأسفانه کانون وکلای دادگستری در طی سالهای بعد از انقلاب نتوانسته استقلال خود را به طور کامل حفظ کند و

کیفری از سوی نمایندگان مجلس به رسمیت شناخته شد. من اطلاع ندارم که دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۹۴ چه اتفاقی افتاد که نمایندگان، این حق را از متهمان پرونده‌های سیاسی سلب کردند.

این کار با اصول متعدد قانون اساسی و دادرسی عادلانه در تضاد است و قانون‌گذاران باید فوراً در این مصوبه تجدید نظر کنند.

پس نمایندگان مجلس این فرصت را برای بازنگری در این مصوبه دارند.

قطعاً نمایندگان می‌توانند در صورتی که دغدغه حقوق مردم را داشته باشند، این مصوبه مفسده‌انگیز را حتی در قالب طرح‌هایی دو یا سه فوریتی مورد بازنگری قرار دهند.

گفتید که این مصوبه با اصول شرعی و قانونی در تضاد است. لطفاً استدلال خود را در این زمینه مطرح کنید.

برابر اصل سی و پنجم قانون اساسی، طرفین دعوا حق دارند بدون دخالت هیچ طرف سومی، برای خود به صورت آزادانه وکیل انتخاب کنند.

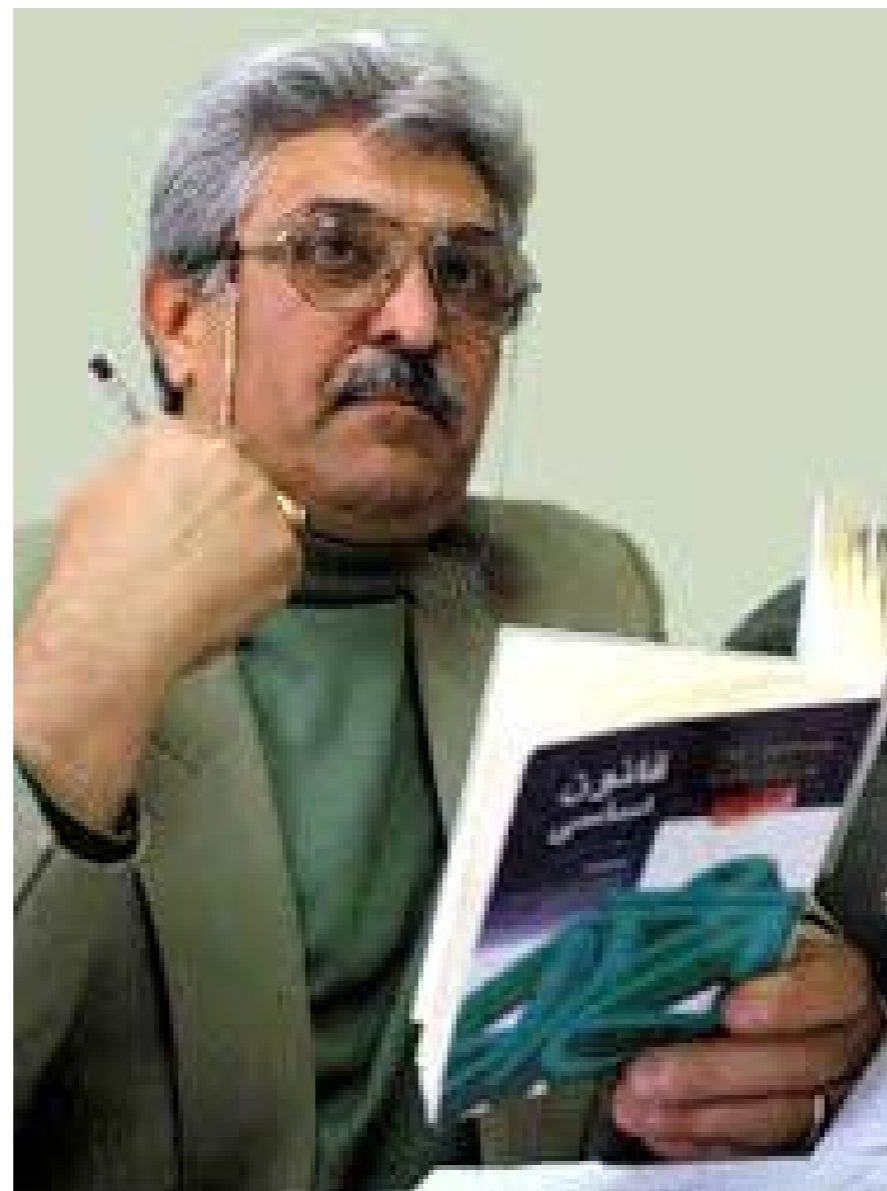
تبصره تصویب شده در مجلس به دلیل این که «آزادی مشروع» مردم را زیر سوال برده با اصل نهم قانون اساسی هم در تضاد است. در این اصل تأکید شده حتی مجلس هم نمی‌تواند قانونی را به تصویب برساند که آزادی‌های مشروع مردم را خدشه‌دار کند و در صورت بروز چنین امری، آن قانون، مشروعیت ندارد.

علاوه بر این، تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، به دلیل آن که هم برای متهم و هم برای وکیل، نوعی تبعیض روا داشته با اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی در تضاد کامل است.

همچنین بر اساس [مواد] ۵۷۰ به بعد قانون مجازات اسلامی، کسانی که این حقوق مردم را مورد خدشه قرار می‌دهند، باید مورد مجازات قانونی هم قرار بگیرند.

این مصوبه همچنین با اصل ۱۶۸ قانون اساسی که حکومت را به دادرسی عادلانه برای متهمان پرونده‌های سیاسی ملزم می‌کند نیز در تضاد است.

برای اثبات تمام تناقض‌های تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری با قانون اساسی، باید به قانون مادر یعنی قانون مدنی بازگردیم. در ماده ۶۵۶ این قانون تأکید شده وکالت امری است که به موجب آن یکی از طرفین، دیگری را برای انجام امری نایب خود می‌کند.



برای بسیاری از این افراد، پروانه وکالت صادر شده است. البته دسته دیگری از وکلا، کسانی هستند که خود قوه قضائیه با استفاده ظرفیت‌های قانونی، برای آنها مجوز فعالیت در این عرصه صادر کرده است.

با توجه به سابقه مصوبات قضایی مجلس که قوه قضائیه را در برابر خود داشته است، به نظر شما چه موانعی برای بازنگری در تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری مقابل قانون‌گذاران وجود دارد؟

در قانون آئین دادرسی کیفری قبلی حتی در مرحله مقدماتی بررسی پرونده، وکیل حق داشت بدون دخالت در روند بررسی، بر سیر عملکرد دستگاه قضایی نظارت داشته و هر گونه تخلف را تذکر دهد.

حتی این حق در بازنگری سال ۱۳۹۲ قانون آئین دادرسی

## محمد علی جداری فروغی: در کانون بین‌المللی وکلا به تبصره ماده ۴۸ اعتراض خواهیم کرد

محمد علی جداری فروغی، وکیل دادگستری، در مصاحبه با مجله «حقوق ما» با ذکر خاطره‌ای از گفت‌وگو با یکی از اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، می‌گوید تصمیم خود نمایندگان نیز تا پیش از صدور این دستور از سوی آملی لاریجانی، بر اجرای آن نبوده است.

او معتقد است این قانون به دلایل مختلف در مرحله اجرا با مشکلات متعدد رو به رو خواهد شد.

گفت‌وگو با جداری فروغی را در مورد موانع اجرای تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری را در زیر می‌خوانید.

**به‌رغم برخی اخبار مبنی بر اعمال فشار قوه قضائیه برای تصویب تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، نقش مجلس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در مقررات بین‌المللی وکالت در همه کشورهای جهان، حق دفاع مستقل وکیل دادگستری به رسمیت شناخته شده است.

در حقیقت حق دفاع یک وکیل مستقل، نوعی دفاع از حقوق متهم، و وکیل تنها واسطه بیان آن دفاعیات در دادگاه است.

تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ مورد بازنگری قرار گرفته است. پیش از این دستور رئیس قوه

قضائیه نیز برخی شعب دادگاه، به طور سلیقه‌ای به اجرای آن پرداخته‌اند. این در حالی است که تبصره ذیل ماده ۴۸ مربوط

به مراحل مقدماتی دادرسی و در نوبت رسیدگی دادرسی است. با وجود این محدودیت‌ها دو سال پیش، الله‌یار ملکشاهی عضو

کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در پاسخ به سوال من در کانون وکلا، تأکید کرد با وجود تصویب این تبصره در مجلس، هیچ منع برای حضور وکلا در مراحل مختلف دادرسی نیست. جالب است که از سال ۱۳۹۴، یعنی زمان تصویب تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری به شکل فعلی، قوه قضائیه تازه به فکر اجرای آن افتاده است.

باید توجه داشت متهمانی که این تبصره شامل حال آن‌ها می‌شود بسیار بیش از تعدادی است که تنها برای آن‌ها در استان تهران، ۲۰ وکیل انتخاب شده است. هر چند حتماً به این تعداد در آینده اضافه خواهد شد.

ولی در پاسخ به پرسش شما درباره نقش مجلس در این روند، بهترین پاسخ را آقای ملکشاهی از بنیان تصویب این تبصره داده که وعده اجرا نشدن آن را مطرح کرد و گفت که وکلا می‌توانند به فعالیت عادی خود حتی در مرحله دادرسی مقدماتی نیز بپردازند.

لحن کلام این نماینده مجلس این گونه بود که احتمال تغییر تبصره ذیل ماده ۴۸ با توجه به تمام مشکلات و تناقضاتی که با قانون اساسی و قوانین بین‌المللی دارد، هست، که البته این تغییر رخ نداد.

این تصمیم رئیس قوه قضائیه یعنی اعلام نام تنها ۲۰ نفر در پایتخت، از میان شصت هزار وکیل دادگستری برای وکالت پرونده‌های سیاسی، از نظر عقلی، شرعی و قانونی امری صحیح به نظر نمی‌رسد. انتظار ما این است که مجلس در اسرع وقت،



جلو آشوبی که قرار است با این تصمیم به وجود بیاید بایستند و در این تبصره تغییراتی اساسی ایجاد کند.

به تعداد بالای متهمان موسوم به «متهمان امنیتی» در دستگاه دادگستری و عدم امکان وکالت پرونده‌های آنها از سوی تعداد محدود وکلایی که رئیس قوه قضائیه نام کرده، اشاره داشتید. لطفاً درباره مشکلات اجرایی این دستور بیشتر توضیح بدهید.

در این تبصره از طرفی به این موضوع اشاره شده که متهمان پرونده‌های با موضوع «امنیت داخلی و خارجی» و نیز «جرایم سازمان یافته» مدنظر است. از طرف دیگر می‌دانیم متهمانی که چنین اتهام‌های سنگینی به آن‌ها تفهیم شده با احکامی سنگین از جمله اعدام رو به رو هستند.

چگونه ممکن است در مرحله بسیار مهم تحقیقات مقدماتی در دادسرا، تنها ۲۰ وکیل در تهران، آن هم کسانی که مورد انتخاب خود متهمان نیستند، بتوانند با دفاعیات خود جان متهمان را نجات دهند؟

متهم به ویژه در این شرایط باید از این حق برخوردار باشد که به طور مستقل، وکیل مورد اعتماد خود را برای نجات خودش انتخاب کند.

ساقط کردن این حق از متهم، دادرسی عادلانه را با مشکل جدی روبه‌رو می‌کند. با توجه به این که من در کانون بین‌المللی هم عضویت دارم از حق خودم برای دفاع از حقوق وکلا دفاع کرده و حتماً اعتراضم را در این مورد در آنجا اعلام خواهم کرد.

جدی روبه‌رو می‌کند. با توجه به این که من در کانون وکلای بین‌المللی هم عضویت دارم از حق خودم برای دفاع از حقوق وکلا دفاع کرده و حتماً اعتراضم را در این مورد در آنجا اعلام خواهم کرد.

## حسین احمدی‌نیاز: کانون وکلا نباید از تصمیم قوه قضائیه تبعیت کند

حسین احمدی‌نیاز، وکیل دادگستری در این گفت‌وگو به نقش کانون‌های وکلا برای مقابله با دستور جدید رئیس قوه قضائیه پرداخته است. او اگرچه معتقد است که کانون‌های وکلا نباید از این تصمیم دستگاه قضائی تبعیت کنند اما در عین حال فکر می‌کند قدرت این نهادها برای ایستادگی در برابر این جریان محدود است.

احمدی‌نیاز هم مانند بسیاری دیگر از همکاران خود، به کار گرفتن عده‌ای «وکیل حکومتی» برای دفاع از متهمان پرونده‌های سیاسی را باعث از میان رفتن کورس‌های امید آنها برای نجات از برخوردهای سنگین قضائی از میان می‌داند.

**عملکرد کانون وکلای دادگستری را در برابر تصمیم رئیس قوه قضائیه برای ایجاد محدودیت در وکلای پرونده‌های سیاسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا کانون از تمام ابزارها برای ایستادن در برابر این تصمیم سود برده است؟**

استفاده متهمان سیاسی از وکلایی که حق انتخاب آنها تا امروز به طور نسبی رعایت می‌شد، تنها مفر متهمان برای جلوگیری از برخوردهای قضائی سنگین بود.

قوه قضائیه با این حرکت، همان راه نجات کوچک را هم از متهمان پرونده‌های سیاسی گرفت. کار قوه قضائیه با

**سوال من در مورد واکنش کانون وکلا در برابر تصمیم قوه قضائیه بود. آیا به لحاظ قانونی کانون وکلا این امکان را دارد که از تصمیم رئیس قوه قضائیه تبعیت نکند؟**

طبعاً کانون وکلا نباید از این تصمیم تبعیت کند. اما باید این را هم در نظر گرفت که قدرت حکومت و قوه قضائیه بسیار بیشتر از کانون‌های وکلای دادگستری است.

**اما با توجه به این که این تصمیم از مصوبه مجلس نشأت گرفته، احتمالاً در صورت سرپیچی وکلا از آن، قوه قضائیه با آنها برخورد خواهد کرد.**

این متأسفانه نگون‌بختی متهمان پرونده‌های سیاسی و امنیتی را ثابت می‌کند که دیگر نخواهند توانست با انتخاب آزادانه وکیل، از خود در برابر اتهامات قوه قضائیه دفاع کنند.

**بعضی همکاران شما امیدوار هستند که این تصمیم**



**قوه قضائیه در آینده نزدیک تغییر کند. شما چقدر این امر را محتمل می‌دانید؟**

من هم به این تغییر امیدوار هستم. تصمیم قوه قضائیه کاری اشتباه و نابخردانه بود. امیدوار هستم که قوه قضائیه به اصول قانون اساسی و میثاقین حقوق بشری احترام بگذارد.

چگونه ممکن است این قوه از میان حدود شصت هزار وکیل دادگستری، تنها به ۲۰ نفر در تهران احترام بگذارد؟ من امیدوار هستم که دستگاه قضائی از این تصمیم کوتاه بیاید.

**کوتاه آمدن قوه قضائیه از این تصمیم نیازمند آن است که مجلس نیز در مصوبه تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری بازنگری کنند.**

مجلس اجازه ندارد قانونی را که با اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی در تضاد است، شبانه به تصویب برساند. این قانون در کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس بدون بررسی در صحن علنی به تصویب رسیده و این روند کاملاً

غیر قانونی است. مجلس باید این مصوبه را پس گرفته و به صف ملت باز گردد.

رعایت حق انتخاب آزادانه وکیل، جزو پایه‌های ترین حقوق شهروندی و از اجزای دادرسی عادلانه است. در حقوق عمومی دو اصل بنیادین وجود دارد که سنگ بنای حق دفاع شهروندان را تشکیل می‌دهند.

بر پایه این دو اصل همواره متهمان باید حق انتخاب آزادانه وکیل را داشته باشند و دوم نیز باید بتوانند علاوه بر حق انتخاب، به وکیل مورد اعتماد خود دسترسی کافی هم داشته باشد. حکومت موظف است در شرایطی که به هر دلیل متهمان از دسترسی آسان به وکیل مورد اعتماد محروم شده‌اند، شرایط رفع این مشکل را برای آنها به وجود بیاورد. در غیر این صورت، دادرسی عادلانه به شدت خدشه‌دار شده است.

تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، با زیر سوال بردن هر دو اصل بنیادین، ضربه‌ای سنگین به اصل «حق دفاع متهم» زده است.

## احمد بشیری: نمایندگان مجلس از وکلا عذرخواهی کنند

احمد بشیری، وکیل دادگستری، تصویب و اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری را توهینی آشکار به کل وکلای کشور می‌داند. او به همین دلیل هم از نمایندگان تصویب کننده آن و هم از رئیس قوه قضائیه می‌خواهد که از وکلا عذرخواهی کنند.

آقای بشیری! می‌دانیم که حتی پیش از اجرای تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری نیز برخی شعب دادگاه‌ها و دادسرا از پذیرش بخشی از وکلای متهمان به طور سلیقه‌ای خودداری می‌کردند. لطفاً رویه‌ای که تا امروز و قبل از اجرای این تبصره در پیش گرفته شده را تشریح کنید.

این رویه در زمان‌ها، دادگاه‌ها، دادرها و حتی متهمان مختلف، متفاوت بوده است. در حالی که برخی شعب دادگاه‌ها و دادسراها از حضور آزادانه وکلا در پرونده‌های سیاسی جلوگیری می‌کردند، برخی دیگر متفاوت بوده‌اند. در هر حال ولی به طور نسبی ما امکان دخالت در پرونده‌ها برای دفاع از متهم را داشتیم و به طور مطلق از حضور ما جلوگیری نمی‌شد.

با اجرای تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری و تعیین تعدادی از وکلای مورد اعتماد رئیس قوه قضائیه برای دفاع از متهمان سیاسی چه تغییری در این روند ایجاد خواهد شد؟

این تبصره کاملاً وضعیت جدیدی را ایجاد و وکلا را به دو دسته محرم و نامحرم تقسیم کرده است. تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری در تضاد آشکار با اصول ۹، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ قانون اساسی است.

به نظر من تمام وکلا باید در برابر این اقدام توهین‌آمیز، قلم‌ها را زمین گذاشته و پروانه وکالت خود پس بدهند.

یعنی تمام حقوقی که برای متهمان در این اصول قانون اساسی در نظر گرفته شده با اجرای تبصره ذیل ماده ۴۸ نقض خواهد شد.

اتفاق دیگری که با این تبصره رخ خواهد داد این است که برای نخستین بار، شاکی پرونده‌ها نیز وارد جریان شده و او هم باید از همین وکلای تعیین شده استفاده کند. با این کار، هم شاکی و هم متهم در چنگال قوه قضائیه گرفتار خواهند شد.

به علاوه این که تا پیش از این، تنها در صورتی که به هر دلیل، متهم امکان به کار گرفتن وکیل تعیینی نداشت، قوه قضائیه برای او یک وکیل تسخیری انتخاب می‌کرد.

در حالی که تبصره ماده ۴۸ حق انتخاب وکیل از سوی متهم را به طور کل نادیده گرفته و کل وکلا را عملاً به وکیل تسخیری تبدیل خواهد کرد.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم مرحله مقدماتی برای تعیین سرنوشت پرونده بسیار مهم است. در آن مرحله، اتهام به افراد تفهیم شده و آنها به کمک وکیل برای دور کردن این اتهامات از خود نیاز دارند.

مرحله مقدماتی رسیدگی به پرونده‌ها، مرحله‌ای کاملاً حیاتی برای نجات متهمان است که تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری حق انتخاب وکیل را از افراد سلب می‌کند.

در مرحله بعدی که دادگاه است، پرونده و اقرار متهم تنظیم شده و دیگر کار خاصی از وکیل برای دفاع از او بر نمی‌آید.

جدا از تناقضی که این تبصره با قانون اساسی و نیز با اصول دادرسی عادلانه دارد به نظر می‌رسد که در اجرا نیز با مشکلات زیادی رو به رو خواهد شد. در حالی که فعالان مطبوعاتی، مدنی و سیاسی هم با اتهامات امنیتی محاکمه می‌شوند، پس تعداد این دسته از متهمان بسیار بالاتر از چیزی است که مثلاً در تهران بتوان دفاع از آنها را تنها بر عهده ۲۰ وکیل قرار داد. این روند عملاً به محرومیت بسیاری از متهمان سیاسی از وکیل منجر خواهد شد. نظر شما چیست؟

عملاً همین اتفاق خواهد افتاد. به دست گرفتن وکالت هر پرونده از سوی وکیل، امری بسیار پیچیده و وقت‌گیر است. حتی در صورتی که تصمیم بر آن باشد که این روند به کاری کاملاً تشریفاتی هم تبدیل شود، باز امکان وکالت تمام پرونده های سیاسی و امنیتی دست‌کم در تهران با تنها ۲۰ وکیل وجود ندارد.

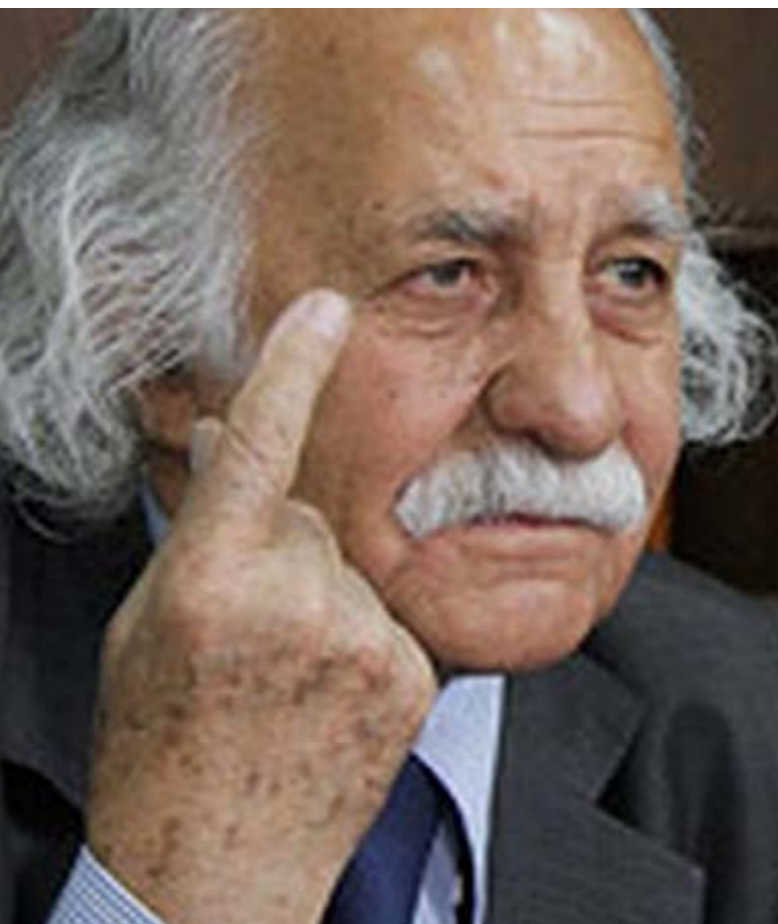
با توجه به این که این تبصره در چارچوب بازنگری کلی آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ به تصویب مجلس رسیده، با بررسی کلیت این قانون جدید چه استنباطی می‌توان از هدف نمایندگان برای تصویب این تبصره داشت؟

برای پی بردن به هدف نمایندگان مجلس، باید مذاکرات بررسی این طرح در مجلس شنیده شود. ولی فعلاً تصویب چنین تبصره فاجعه‌باری به این تصمیم عجیب قوه قضائیه منجر شده است.

تبصره ذیل ماده ۴۸، جدا از ایرادات حقوقی، مشکلات انشایی جدی دارد. نمایندگان در این قانون از لفظ «وکلا» رسمی دادگستری» استفاده کرده‌اند که عملاً چنین چیزی وجود ندارد.

«وکیل رسمی» فقط به کسی گفته می‌شود که مردم به او برای انجام کارهای محضری وکالت مراجعه می‌کنند و بقیه همه «وکیل دادگستری» هستند.

اصلاً مشخص نیست منظور از وکلای رسمی دادگستری چیست. جدا از این مسئله، نفس تصویب این تبصره، یک توهین آشکار به جامعه وکلای کشور است. چون به صراحت وکلا را به دو بخش قابل اعتماد و غیر قابل اعتماد تقسیم کرده است. با این کار مردم چگونه می‌توانند به وکلای خودشان اعتماد کنند؟ کسانی که این تبصره را به تصویب رسانده‌اند باید از جامعه وکلا به دلیل این تقسیم‌بندی عذرخواهی کنند.



پس فکر می‌کنید جدا از محتوا، اصل تصویب این تبصره توهینی آشکار به جامعه وکلای کشور است.

صد در صد این حرکت توهین به وکلا است. معنای آشکار این مصوبه این است که فلان وکلا افرادی درست‌کار، و بقیه شخصیت‌هایی غیر قابل اعتماد و نادرست هستند. من سالهاست که کار وکالت انجام نمی‌دهم اما در صورتی که در حال فعالیت بودم، سریعاً پروانه وکالت خود را در اعتراض به این مصوبه به کانون وکلا پس می‌دادم. مجلس و قوه قضائیه حتی بر اساس قانون هم اجازه این کار را ندارند. به نظر من تمام وکلا باید در برابر این اقدام توهین‌آمیز، قلم‌ها را زمین گذاشته و پروانه وکالت خود پس بدهند.

رئیس قوه قضائیه باید حداقل برای این تصمیم خود، معیارهایی کاملاً مشخص را اعلام می‌کرد. باید دقیقاً توضیح داده شود که این تقسیم بندی وکلا با چه معیارهایی انجام شده است. این اصلاً عادلانه نیست که قوه قضائیه با سلیقه شخصی و با معیارهایی مبهم، لیستی از وکلا را به عنوان وکلای قابل اعتماد برای دفاع از متهمان سیاسی و امنیتی اعلام کند.

من سالها پیش وکیل خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای بودم. چگونه است که آن زمان از نظر قوه قضائیه وکیلی محرم و صالح حساب می‌شدم و حالا فردی نامحرم به حساب می‌آیم؟



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
 ایران / محمود امیری مقدم  
 سردبیر این شماره: کامبیز غفوری  
 تماس با مجله: mail@iranhr.net

